

یک روز شلوغ در مرکز بهداشت مهدی آباد با گروه جهادی احسان

پای کار درمان هستیم



عیدگاه

که در آن زندگی می‌کنیم، مسئولیم. من هم با این خدمات سعی می‌کنم قدمی کوچک و باری از دوش کسی بردارم.

● اهالی پای کارند

بخشی از اجرای این طرح برعهده اهالی محله است؛ کسانی که آن‌ها هم جهادی پای کار آمده‌اند تا کمک کنند کارها بهتر و منظم‌تر پیش برود. فاطمه علی آبادی یکی از همین داوطلب‌هاست؛ از ساکنان دغدغه‌مند محله مهدی آباد که از صبح زود خود را به مرکز رسانده است. فهرست بیماران را در دست دارد و هر نفر را به پزشک مربوطه ارجاع می‌دهد. او می‌گوید: اینجا خیلی‌ها نمی‌توانند به پزشک متخصص مراجعه کنند چون هزینه‌ها زیاد است. خدمات روان پزشکی هم معمولاً مراجعه‌کننده چندان ندارد. به همین دلیل اجرای این طرح می‌تواند برای اهالی مفید باشد.

مرکز بهداشت در یکی از محله‌های کم‌برخوردار مشهد تبدیل به پایگاهی برای ارائه خدمات رایگان پزشکی می‌شود.

● سر پزشکان حساسی شلوغ است

این بار نوبت به محله مهدی آباد رسیده است. در مرکز خدمات جامع سلامت شهید جعفرزاده، دو پزشک متخصص، یک پزشک عمومی، دندان پزشک، ماما، مشاور و روان پزشک در حال ارائه خدمات به مردم هستند. چند دانشجوی پزشکی هم در بخش دارو و تریاژ کمک می‌کنند تا روند پذیرش بیماران سریع‌تر و منظم‌تر پیش برود. این برنامه فقط یک روز اجماعی می‌شود. اما حجم مراجعات و رضایت مراجعه‌کنندگان، نشان می‌دهد همین یک روز هم می‌تواند تأثیر زیادی بر یک محله بگذارد.

مهدی اردکانی پیش‌بینی می‌کند که تا پایان روز، بیش از دویست نفر به این مرکز مراجعه کنند. سرپزشکان حساسی شلوغ است و فرصت چندان برای استراحت یا گفت‌وگو ندارند. در فاصله کوتاهی میان دو مراجعه، موفق می‌شوم چند دقیقه با پزشک عمومی گروه گفت‌وگو کنم.

بهنام بهادری، چند سال پیش، با معرفی یکی از دوستانش با گروه احسان آشنا شده و از آن زمان تا کنون در طرح‌های مختلف جهادی شرکت کرده است. دلیل حضورش را که می‌پرسم، می‌گوید: همه مادر هر شغلی که هستیم، وظایفی اجتماعی داریم و نسبت به جامعه‌ای

نیکو عقیده‌ا ساعت تازه ۹ صبح شده. اما مرکز خدمات جامع سلامت شهید جعفرزاده محله مهدی آباد پر از رفت و آمد است. بیشتر مراجعه‌کنندگان راز نان و کودکان تشکیل می‌دهند که با پرونده‌های بهداشتی در دست، در صف انتظار نشسته‌اند یا از اتاقی به اتاق دیگر هدایت می‌شوند. پزشکان در اتاق‌های معاینه مشغول کارند و پرستاران بی‌وقفه میان بیماران رفت و آمد می‌کنند. در این میان، چند نفر از اهالی محله هم داوطلبانه آمده‌اند تا کمک کنند کارها با نظم بیشتری پیش برود؛ از راهنمایی بیماران گرفته تا رسیدگی به صف‌ها. گروه جهادی «احسان» این بار به محله مهدی آباد آمده است و کادر درمانی آن‌ها در همین مرکز، در حال ارائه خدمات رایگان پزشکی به مردم هستند.

● دغدغه‌مندی از معیشت تا فرهنگ

مهدی اردکانی، مسئول قرارگاه جهادی احسان، از ابتدای شکل‌گیری این گروه می‌گوید: گروهی که فعالیت خود را از سال ۹۹ در مناطق کم‌برخوردار حاشیه شهر مشهد آغاز کرده و تا امروز در حوزه‌های مختلفی از معیشت گرفته تا فرهنگ، قدم برداشته است. به گفته او، کار قرارگاه احسان فقط به توزیع بسته‌های کمک معیشتی محدود نیست؛ آن‌ها در زمینه آموزش، فعالیت‌های فرهنگی و حالا هم حوزه سلامت وارد عمل شده‌اند.

در ادامه همین مسیر، اردکانی و همراهانش به سراغ گروهی از پزشکان و متخصصان رفتند که علاقه‌مند به کار جهادی بودند. نتیجه این همراهی، شکل‌گیری برنامه‌ای با عنوان «پای کار هستیم» شد؛ طرحی که حالا بیش از یک سال از آغاز آن می‌گذرد و در قالب آن، هربار یک



نوجوان نقاش محله کنه بیست مقام اول ناحیه را دارد

درخشش شاخه آفتابگردان



امید محله

● وقتی نقاشی می‌کشی، چه

احساسی داری؟

ذهنم آرام می‌شود. وقتی مشغول نقاشی کشیدن هستم، استرس ندارم، به چیزی فکر نمی‌کنم؛ فقط روی کاری که دارم انجام می‌دهم، تمرکز می‌کنم.

● در مسابقه فرهنگی و هنری جشنواره «فردا»

با چه سبکی شرکت کردی؟

در بخش نقاشی و در سبک رنگ روغن و آبرنگ شرکت کردم.

● سوژه نقاشی‌ات چه بود؟

یگ‌گلدان که چند شاخه آفتابگردان و چند دانه میوه اطرافش بود.

● آثار بقیه چطور بود و چرا نقاشی تو اول شد؟

بچه‌ها از سوژه‌های مختلفی نقاشی کشیده بودند؛ دلفین، پرنده و... من از یک هفته قبل مشغول تمرین شدم و چند مقوا را پر کردم تا بهترین کار را ارائه کنم.

● تابه حال نقاشی را به دوستان و هم‌کلاسی‌هایت

آموزش داده‌ای؟

همیشه نکاتی را به آن‌ها می‌گویم و یک بار هم جای معلم هنر کلاس سومي‌ها به بچه‌ها درس دادم.

● برای آینده چه هدفی داری؟

دوست دارم دندان پزشک شوم. اما نقاشی را هم ادامه بدهم. آرزو دارم یک روز گالری نقاشی خودم را داشته باشم و آثارم را به دیگران نشان بدهم.

روی کاغذ خط می‌انداختم. همان موقع‌ها بود که فهمیدم چقدر این کار را دوست دارم. مادرم تعریف می‌کند که مداد و دفترم را همه جا همراهم می‌بردم. حتی در مهمانی‌ها در حالی که بیشتر بچه‌ها مشغول بازی بودند، من ترجیح می‌دادم در گوشه‌ای بنشینم و نقاشی بکشم.

● بین نقاشی‌هایی که کشیده‌ای،

کدام را از همه بیشتر دوست داری؟

یک منظره طبیعی که چند سال پیش کشیدم. شاید الان بتوانم نقاشی‌های بهتری بکشم، اما چون اولین بار بود که یک منظره کامل کشیدم، خیلی برام ارزش دارد. قبل از آن فقط کوه و درخت را جداگانه می‌کشیدم. آن نقاشی را به دیوار اتاقم زده‌ام.

● نیکو عقیده | نرگس فلاحتی، دانش‌آموز

کلاس ششم مدرسه المهدی (عج) در محله کنه بیست، از آن دست دانش‌آموزانی است که کنار درس به جنبه‌های دیگر زندگی‌اش هم اهمیت می‌دهد. نقاشی یکی از علایق مهم زندگی نرگس است. این علاقه به واسطه مادر هنرمندش در او شکل گرفت. حالا که چند سالی از آن روزها گذشته، نرگس نه تنها علاقه‌اش را حفظ کرده، بلکه سبک‌های مختلف را هم یاد گرفته است؛ از گواش گرفته تا سیاه‌قلم و مدادرنگی.

او به تازگی در جشنواره فرهنگی و هنری «فردا»، در ناحیه ۵، در بخش نقاشی، مقام اول را به دست آورده است؛ موفقیتی که شاید برای بعضی‌ها فقط یک رتبه باشد. اما برای نرگس، شبیه یک گام مهم در مسیری است که سال‌هاست آن را با علاقه قدم به قدم پیش می‌برد.

● چه زمانی متوجه

شدی که به نقاشی

علاقه‌مندی؟

از همان دوران کودکی، کنار مادر که نقاشی سیاه‌قلم می‌کشید، می‌نشستم. ساعت‌ها او را تماشا می‌کردم و کم‌کم خودم هم با ماد

